



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۷ ■ ۲۲ اسفند ۱۳۹۸

نوجوان  
ما



اکثر شعرهای

فاطمه در قالب

نیمایی است.

معتقد است

قالب نیمایی

خیلی شباهت

دارد به شخصیت

نوجوان، این

کوتاه و بلند

شدن مصراع‌ها

و تغییر قافیه‌ها

، همه اش شبیه

تغییرات دوران

نوجوانی است



درباره دختری که فکر و ذکرش شاعرانگی است

## هرپرنده فکر تازه‌ای است



سید سیدسپهر  
جمعه‌زاده

شیراز معروف است به حافظ و سعدی‌اش. آدم فکر می‌کند همه شیرازی‌ها یک طبع هنرمندانه و ذهن خلاق برای پیدا کردن و چیدن کلمات کنار هم دارند. البته فاطمه فرزانه دقیقاً مصداق بارز این حرف من است. اهل شیرازست / روزگاش بد نیست / تکه نانی دارد و سر سوزن ذوقی... احتمالاً زنده‌یاد سهراب سپهری با این تحریف شعرش دارد توی گور می‌لرزد ها ولی خب شاعر این مصاحبه‌ما اهل کاشان نیست، شیرازی اصیل است.

### قیام یک آرمان‌گرا

فاطمه خانم از بچگی همیشه دوست داشت در زندگی یک کار بزرگ بکند. البته الان حدوداً بیست سال بیشتر ندارد. (از آن جایی که خانم‌ها سن دقیقشان را عمراً لو نمی‌دهند از وی اطلاعات دقیقی در دست نیست!) او در قدم اول فکر می‌کرد که حتماً باید در دانشگاه تهران درس بخواند و آنجا اتفاقات بزرگی برایش خواهد افتاد اما می‌گوید دقیقاً از فاصله اعلام نتایج کنکور تا انتخاب رشته تصورش تغییر کرد و فکر کرد نکند با شغل معلمی خیلی بهتر بتواند در جامعه تأثیرگذار باشد! با وجود اینکه توانست رتبه ۱۱ کنکور هنر را مال خود کند ترجیح داد دانشجوی تربیت معلم دانشگاه شهید رجائی تهران در رشته ارتباط تصویری (گرافیک) باشد. به نظر من او به چیزی فراتر از یک رشته تحصیلی و درس خواندن فکر می‌کرد. فاطمه فرزانه می‌گوید: این تصمیمش به خاطر روحیه آرمانگرایی‌اش بود. اینکه فکر می‌کرد اگر معلم شود دورش را بچه‌ها و نوجوان‌ها پر می‌کنند و از تنهایی در می‌آید. نوجوان‌ها برای او دغدغه محسوب می‌شوند و دوست دارد از راه تعلیم و تربیت خودش را وقف بچه‌ها کند.

### کلاس کجا برم؟ کتاب چی بخونم؟

کتاب آموزشی "روزنه"، نوشته استاد محمد کاظم کاظمی به حال شعری فاطمه فرزانه کمک زیادی کرده است و توصیه می‌کند هرکس می‌خواهد از شعر سر در بیاورد این کتاب را بخورد. او به مجلات "روشنان" که کانون پرورش فکری منتشر می‌کرد علاقه زیادی داشت و عاشق شعر خواندن بود چه نو و معاصر چه شعرهای کلاسیک و قدیمی. زندگی او با کتاب‌های ناصر کشاورز و شل سیلورستاین گذشته و از روی دست این دونویسنده خیلی چیزها یاد گرفته است. او در دوره آموزشی چهارم آفتابگردان‌ها که شهرستان ادب برگزار می‌کند توانست با این موسسه آشنا شود اما در دوران دانش آموزی فوت و فن‌های شاعری را اساتید کانون پرورش فکری یادش داده‌اند. این دوره آموزشی برای او یک اتفاق خوب هم داشت. -هرپرنده فکر تازه ایست- اسم کتابی است که قرار است همین روزها از فاطمه فرزانه منتشر شود.

### کدام شاعر؟ کدام قالب؟

شاعر مورد علاقه او قصیر امین پور است و تمام شعرهای این شاعر بزرگ را دوست دارد. اما در میان نویسندگان این اسم را برد یعنی جین آستین؟ آن هم به خاطر کتاب غرور و تعصبش. اکثر شعرهای فاطمه در قالب نیمایی است. معتقد است قالب نیمایی خیلی شباهت دارد به شخصیت نوجوان، این کوتاه و بلند شدن مصراع‌ها و تغییر قافیه‌ها، همه اش شبیه تغییرات دوران نوجوانی است. چون نوجوان‌ها هم مثل شعرها مخصوصاً شعر نیمایی یک روز خوشحال‌اند و یک روز غمگین، یک روز با حوصله‌اند و یک روز کم‌حوصله و این تغییر خیلی برای من جذاب است و در قالب نیمایی می‌توان شباهتش را درک کرد با شخصیت یک نوجوان. برای همین است که اکثراً در همین قالب شعر می‌گوید.

### مصاحبه +

چند کلمه به او گفتیم و حس این شاعر نوجوان را در مورد آنها پاسخ گرفتیم:

- شاعر خوب خلاق

- نوجوانی: ای کاش می‌شد زمان را در این روزها متوقف کرد.

- شعر: کشف

- آینده: ای روزهای خوب که در راهید، از پشت لحظه‌ها به در آید.

- هدف: بدون توقف

- تربیت: باغبان

- عشق: هیجان

- کتاب: بهترین دوست

- فاطمه فرزانه: دختری در سرزمین عجایب

این هم سه شعر از

فاطمه فرزانه:



- آه ای درخت بید

مردم عجیب کوچی مرا ببین

فصل‌های سرد، گرم شاخه شاخه

چیدن تو می‌شوند

شاد، از بریدن تو می‌شوند

با وجود این ولی تو شاد باش

چون که هر بهار

### از «کانون» تا «شهرستان»

فاطمه فرزانه از ۸ سالگی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با شعر آشنا شد و کم‌کم خودش را در شعر پیدا کرد. از ۱۲ سالگی در مسابقات و جشنواره‌های شعر کانون شرکت می‌کرد و در ۱۵ سالگی با اساتید بزرگی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان نشست و برخاست می‌کرد. مثل آقای بیوک ملکی که از آن موقع تا به حال از راهنمایی‌های ایشان استفاده می‌کند. او کم‌کم راه خودش را در ادبیات نوجوان پیدا کرد. با نشریات مختلفی مثل هفته نامه دوچرخه همشهری، مجله رشد جوان و مجله دوست نوجوان همکاری‌اش را شروع کرد و در همان سالها موفق به کسب مقام اول در دو دوره مسابقات فرهنگی هنری دانش آموزان سراسر کشور شد تا رسید به فعالیت در شهرستان ادب.

### کشف‌های شاعرانه

او فکر می‌کند که ادبیات و شعر را اگر به یک عینک تشبیه و با آن به دنیا نگاه کنیم، همه چیز را تقریباً متفاوت می‌بینیم. می‌گوید: یک شاعر همیشه به چیزهایی در جهان توجه می‌کند که یک آدم عادی هرگز به آنها توجهی ندارد و همین نگاه شاعرانه است که جوهره شعر خواهد بود.

بنابر این هرکس دنیا را باید متفاوت و مختص خودش نگاه کند و این یعنی خلاقیت در شعر. او مباحثی مثل وزن و قافیه و ردیف و... را مهم می‌داند و می‌گوید هرکس علاقه‌ای به شعر دارد باید سعی کند با مطالعه از قواعد و قوانین آن هم سردر بیاورد.

مهم‌ترین نکته در شعر همین نگاه متفاوت داشتن و کشف شاعرانه است که برای این باید دائماً بنویسیم، برای اساتید و اطرافیان با صدای بلند بخوانیم تا هم ایراداتمان پیدا شود و هم از نکات آنها بیشتر بیاموزیم. اما شاید مهم‌ترین حرف او در این زمینه این باشد که هر شاعری باید دید شاعرانه خاص خودش را نسبت به جهان داشته باشد و برای این باید زیاد و متنوع شعر بخوانند و محدود به یک محیط خاص نباشد.